

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ
وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

جایگاه و محدوده حقوق جنسی زوجین

در فقه امامیه و حقوق ایران

تألیف:
رقیه السادات مؤمن

ویراستار علمی:
دکتر صدیقه مهدوی کنی

فهرست مطالب

سخن ناشران.....	۱۳
مقدمه.....	۱۵
۱. بیان مسئله.....	۱۵
۲. ضرورت و اهمیت پژوهش.....	۳۳
۳. اهداف پژوهش.....	۳۵
۴. سوالات اصلی پژوهش.....	۳۵
۵. فرضیات پژوهش.....	۳۵
۶. پیشینه پژوهش.....	۳۶
۷-۱. پیشینه نظری.....	۳۶
۷-۲. پیشینه تجربی.....	۳۸
۷. تعاریف اصطلاحی و عملیاتی.....	۳۹
۸-۱. حق جنسی.....	۳۹
۸-۲. تمکین.....	۴۰
۸-۳. نشوز.....	۴۱
۸. جنبه جدید بودن و نوآوری طرح تحقیق.....	۴۲
بخش اول: کلیات.....	۴۵
فصل ۱. جایگاه غرایز در خلقت آدمی.....	۴۷
۱-۱. حقیقت نفس.....	۴۸
۱-۲. اصل وجود غریزه در انسان.....	۵۱

فصل ۲. جایگاه غریزه جنسی در اسلام.....	۵۳
۱-۱. نظام اخلاق جنسی.....	۵۵
۲-۱. کارکردهای غریزه جنسی.....	۶۱
۱-۱. تولید مثل و بقای نوع انسان.....	۶۱
۲-۱. تأمین آرامش روانی و سکون نفس.....	۶۴
۳-۱. محدوده ارضای غرایز جنسی.....	۶۷
۱-۱-۱. دیدگاه تعریطی.....	۶۷
۱-۱-۲. دیدگاه افراطی.....	۶۹
۱-۱-۳. دیدگاه متعادل.....	۷۰
۱-۱-۴. چگونگی ارضای غریزه جنسی.....	۷۶
۱-۱-۵. اهمیت و جایگاه ازدواج.....	۷۹
۱-۱-۶. نتایج و آثار ازدواج.....	۸۲
۴-۱. نخش دوم: جایگاه و قلمرو حقوق جنسی زوین.....	۸۷
۴-۲. جایگاه روابط جنسی زوجین در امر نکاح.....	۸۹
۱-۱. هدف و غایت نکاح.....	۹۰
۱-۱-۱. بررسی دیدگاه تک‌گرایانه و اثبات نگرش جامع به نکاح.....	۹۱
۱-۱-۲. اصالت شهوت.....	۹۱
۱-۱-۳. اصالت بقای نسل.....	۹۲
۱-۱-۴. تعریف فقهی- حقوقی نکاح.....	۹۵
۱-۱-۵. تعریف لغوی نکاح در فقه.....	۹۶
۱-۱-۶. تعریف نکاح در حقوق.....	۹۹
۱-۱-۷. ماهیت فقهی- حقوقی نکاح.....	۱۰۰
۱-۱-۸. تقسیم‌بندی ماهوی نکاح.....	۱۰۰
۱-۱-۹. ماهیت معاوضی بعض و مهر.....	۱۰۳
۱-۱-۱۰. اصطلاحات معاملات در نکاح.....	۱۰۵
۱-۱-۱۱. فلسفه نکاح و شروط جنسی ضمن عقد نکاح.....	۱۰۸
۱-۱-۱۲. معانی شرط.....	۱۰۸

فهرست مطالب ۷

۱۰۸.....	۱-۴-۳	۱. معنای لغوی شرط
۱۱۰.....	۲-۱-۴-۳	۲. معنی اصطلاحی شرط
۱۱۴.....	۲-۴-۳	۳. شرط ضمن عقد
۱۱۵.....	۱-۲-۴-۳	۴. اقسام شروط ضمن عقد
۱۱۸.....	۳-۴-۳	۵. شرط خلاف مقتضای عقد
۱۱۸.....	۱-۳-۴-۳	۶. معنی لغوی «مقتضاء»
۱۱۸.....	۲-۳-۴-۳	۷. مقتضیات ذات و اطلاق عقد
۱۲۰.....	۳-۳-۴-۳	۸. ملاک تمیز مقتضیات عقد
۱۲۷.....	۴-۴-۳	۹. شرط تحریم رابطه جنسی در عقد نکاح
۱۲۹.....	۱-۴-۴-۳	۱۰. دیدگاه‌های فقهی
۱۳۴.....	۲-۴-۴-۳	۱۱. دیدگاه‌های حقوقی
۱۴۱.....	۴	فصل ۴. تعریف حقوق جنسی زوجین
۱۴۴.....	۱-۴	۱. نشوز و تمکین در فقه
۱۴۵.....	۱-۴	۲. تعریف نشوز
۱۵۰.....	۲-۱-۴	۳. تعریف تمکین
۱۵۴.....	۲-۴	۴. وظایف زوجیت در قانون مدنی
۱۵۵.....	۱-۲-۴	۵. ابهام در مواد ۱۰۸۵ و ۱۰۸۶ قانون مدنی
۱۵۶.....	۲-۲-۴	۶. ابهام در ماده ۱۱۰۲ قانون مدنی
۱۵۸.....	۳-۲-۴	۷. ابهام در ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی
۱۶۳.....	۵	فصل ۵. محدوده حقوق جنسی زوجین
۱۶۴.....	۱-۵	۱. قلمرو و دامنه حقوق جنسی زوج
۱۶۷.....	۱-۵	۲. ادله اثبات حقوق جنسی زوج
۱۶۷.....	۱-۱-۵	۳. دلیل کتاب
۱۷۰.....	۲-۱-۱-۵	۴. دلیل سنت
۱۷۶.....	۱-۱-۱-۵	۵. دلیل اجماع
۱۸۲.....	۱-۱-۵	۶. بررسی عرف مسلم
۱۸۳.....	۱-۲-۱-۵	۷. جایگاه عرف در قانونگذاری

۸ جایگاه و محدوده حقوق جنسی زوجین در فقه امامیه و حقوق ایران

۱۸۵.....	۲-۱-۲. بررسی عرف رایج در امور جنسی زوجین.....	۱-۵
۱۹۳.....	۲-۵. قلمرو و دامنه حقوق جنسی زوجه	۱-۵
۱۹۶.....	۱-۲-۵. ادله اثبات حقوق جنسی زوجه	۱-۵
۱۹۷.....	۱-۲-۱-۱. ادله پذیرش اجمالی حق جنسی زوجه	۱-۵
۱۹۸.....	۱-۲-۱-۲. ادله تعیین حداقل نیاز جنسی زوجه	۱-۵
۱۹۹.....	۱-۲-۱-۳. ادله وجوب کلی ارضای جنسی زوجه	۱-۵
۲۱۱.....	۳-۵. مصادیق حقوق جنسی زوجه.....	۱-۵
۲۱۲.....	۱-۳-۵. حق بیوته همسر با شوهر(قسم).....	۱-۵
۲۱۳.....	۱-۳-۱-۱. اقوال مطروحه در باب حق قسم	۱-۵
۲۱۷.....	۱-۳-۲. فروع حق قسم.....	۱-۵
۲۲۰.....	۲-۳-۵. حق آمیزش	۱-۵
۲۲۴.....	۴-۵. انحلال نکاح به واسطه مشکلات جنسی	۱-۵
۲۲۴.....	۴-۱-۱. فسخ نکاح به استناد عیوب جنسی	۱-۵
۲۲۷.....	۴-۱-۱-۱. عنن	۱-۵
۲۲۸.....	۲-۱-۴-۵. خصاء	۱-۵
۲۴۵.....	۳-۱-۴-۵. جب	۱-۵
۲۴۷.....	۴-۱-۴-۵. فروعات فسخ نکاح.....	۱-۵
۲۴۹.....	۲-۴-۵. طلاق به موجب تخلف از شروط جنسی	۱-۵
۲۵۱.....	۵-۵. فروعات و مسائل مربوط به آمیزش زوجین	۱-۵
۲۵۲.....	۵-۱-۱. کامجویی از پشت زن	۱-۵
۲۶۰.....	۵-۲-۱-۱. نزدیکی با دختر نابالغ	۱-۵
۲۶۵.....	۵-۳-۱-۱. کنترل تولید مثل	۱-۵
۲۶۹.....	بخش سوم: آثار و مضایت اجرای حقوق جنسی زوجین.	
۲۷۳.....	فصل ۶. آثار و نتایج تمکین حقوق جنسی زوجه.	
۲۷۳.....	۶-۱. الزام زوج به انفاق	۱-۶
۲۷۴.....	۶-۱-۱. بررسی مشروطیت نفقة بر تمکین	۱-۶
۲۷۶.....	۶-۱-۲. رابطه نفقة و تمکین در دوران عقد	۱-۶

فهرست مطالب ۲

۲۸۱.....	۱-۳. حدود نفقة زوجه.....
۲۸۲.....	۴-۱. ویژگی های نفقة زوجه.....
۲۸۳.....	۲-۶. استقرار تمام مهریه.....
۲۸۵.....	۶-۲-۱. مسأله آمیزش.....
۲۸۸.....	۶-۲-۲. خلوت زوجین.....
۲۸۹.....	۶-۲-۲-۱. مقام ثبوت (واقع).....
۲۹۱.....	۶-۲-۲-۲. مقام اثبات (ظاهر).....
۲۹۳.....	۶-۲-۲-۳. ثمره عملی مسأله.....
۲۹۵.....	۶-۲-۳. تنصیف مهریه پیش از نزدیکی.....
۲۹۷.....	۶-۳. ثبوت اجرت المثل و نحله.....
۲۹۸.....	۶-۳-۱. جایگاه و مبانی فقهی اجرت المثل.....
۳۰۳.....	۶-۳-۲. جایگاه و مبانی حقوقی اجرت المثل.....
۳۰۸.....	۶-۳-۳. نحله.....
۳۱۲.....	۶-۴. توارث.....
۳۱۵.....	فصل ۷. موارد جواز خودداری زوجین از تمکین خاص
۳۱۸.....	۷-۱. انتخاب مسکن علیحده.....
۳۲۱.....	۷-۲. عدم تأمین نفقة مناسب با شؤونات و وضعیت زوجه.....
۳۲۴.....	۷-۳. استفاده از حق حبس برای زوجه.....
۳۲۶.....	۷-۳-۱. دایره شمول حق حبس و مفهوم دقیق تمکین.....
۳۳۴.....	۷-۳-۲. موارد سقوط حق حبس.....
۳۳۷.....	۷-۳-۳. حق حبس زوجه و اعسار زوج از پرداخت مهریه.....
۳۴۰.....	۷-۴. وجود بیماری در زوج یا زوجه.....
۳۴۳.....	۷-۴-۱. بیماریها و انحرافات جنسی.....
۳۴۴.....	۷-۴-۱-۱. دیگر آزاری (سادیسم).....
۳۴۷.....	۷-۴-۱-۲. دیگر آزاری توأم با خودآزاری.....
۳۵۰.....	۷-۴-۲. جنون مقاربت.....
۳۵۲.....	۷-۴-۲. بررسی میدانی تأثیر اختلالات و انحرافات جنسی در فروپاشی خانواده.....

فصل ۸. ضمانت اجرای عدم ایفای وظایف زناشویی	۳۵۹
۱-۸. ضمانت اجرای عدم تمکین خاص زوجه	۳۶۱
۱-۸.۱. ضمانت اجرای نشوز زوجه در قرآن کریم	۳۶۲
۱-۸.۱-۱. ارتباط کلامی و صحبت	۳۶۹
۱-۸.۲-۱. قهر و دوری	۳۷۰
۱-۸.۳-۱. تنبیه بدنی	۳۷۲
۱-۸.۴-۱. مقام صالح برای اجرای حکم ناشره	۳۷۵
۱-۸.۲-۱. اسقاط حق نفعه زوجه ناشره در فقه امامیه	۳۷۸
۱-۸.۳-۱. ضمانت اجرای نشوز زوجه در حقوق ایران	۳۸۰
۱-۸.۱-۳-۱. سقوط حق انفاق	۳۸۱
۱-۸.۲-۳-۱. اجازه اختیار همسر دیگر	۳۸۲
۱-۸.۳-۳-۱. عدم امکان اعمال شرط و کالت زوجه در طلاق	۳۸۶
۱-۸.۴-۳-۱. عدم استحقاق به دریافت اجرت المثل و نحله	۳۸۹
۱-۸.۵-۳-۱. عدم برخورداری از شرط تنصیف دارایی زوج	۳۹۲
۱-۸.۴-۱. اولویت و ترتیب ضمانت اجرایی	۳۹۷
۱-۸.۵. ضمانت اجرای عدم تمکین زوجه منقطعه	۳۹۸
۱-۸.۶-۱. دعوای زوج مبنی بر الزام به تمکین زوجه	۴۰۲
۱-۸.۱-۶-۱. مقدمات دعوای عدم تمکین زوجه	۴۰۳
۱-۸.۲-۶-۱. قابلیت اجرایی حکم الزام به تمکین زوجه	۴۰۶
۱-۸.۲-۸. ضمانت اجرای عدم ایفای وظایف جنسی زوج	۴۱۴
۱-۸.۱-۲-۸. ضمانت اجرای نشوز زوج در قرآن کریم	۴۱۴
۱-۸.۲-۲-۸. ضمانت اجرای نشوز زوج در فقه امامیه	۴۲۲
۱-۸.۱-۲-۲-۸. مراتب برخورد با مرد ناشر	۴۲۲
۱-۸.۲-۲-۸. عکس العمل زوجه در نشوز زوج	۴۲۵
۱-۸.۳-۲-۸. ضمانت اجرای نشوز زوج در حقوق ایران	۴۳۲
۱-۸.۱-۳-۲-۸. ضمانت اجرای مدنی نشوز زوج	۴۳۳
۱-۸.۲-۳-۲-۸. ضمانت اجرای کیفری نشوز زوج	۴۴۹

فهرست مطالب □ ۱۱

۴۶۵.....	فصل ۹. خلاصه و نتایج پژوهش
۴۸۶.....	پیشنهادات پژوهشی و کاربردی
۴۸۹.....	منابع و مأخذ
۵۰۹.....	پیوست‌ها
۵۱۳.....	نمایه

بسمه تعالى

«لَقَدْ مِنَ اللَّهِ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَذْ بَعْثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنفُسِهِمْ يَتَلَوَّ عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيَزْكُّهُمْ وَيَعْلَمُهُمُ الْكِتَابُ وَالْحُكْمُ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلِ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ»
(آل عمران، ۱۱۶)

سخن ناشران

حمد و ثنا خداوند بزرگ و ذات احادیث را که امتیاز و درجه عالمان و دانشمندان را در نزدیکی به جایگاه پر عظمت خویش قرار داد، همو که در این آیه شریفه بر مؤمنین منت نهاد آنگاه که از خودشان رسولی را برانگیخت تا برای آنان آیات وحی بخواند و ایشان را بشارت و بیم دهد. به راستی مرتبت علم و دانش و فضل و معرفت در نزد خدا جایگاهی قرار دارد که احادیث به واسطه اعطاء آن به آدمی بر بشریت منت نهاده است.

خداوند را شاکریم که در عصری که هنوز در برخی کشورهای جهان، زنان را واجد شرایط شرکت در محافل سیاسی، اجتماعی و علمی نمی دانند، خواهران گرامی ما در عرصه علم و تحقیق و پژوهش پیش می تازند و به جهت اراده استوار خویش اندیشه ها را به تکاپو و قلم ها را به حرکت و می دارند (رئیس محترم دانشگاه امام صادق (ع) آیت الله مهدوی کنی).

این توفیق الهی است که یک مرکز داعیه دار علم و دانش بتواند در دستیابی به اهداف بلند خود، برنامه های خویش را بر مدار معرفت و دانایی قرار دهد، چرا که علم و معرفت از چنان قدر و منزلت و عظمتی برخوردار است که باید گام نهادن در مسیر آن را از الطاف الهی دانست. دانشگاه امام صادق علیه السلام (پردیس خواهران) طی سالیان گذشته افتخار این را داشته که در این راستا گام هایی برداشته و افق بلندی را در چشم انداز علمی خود

۱۴ □ جایگاه و محدوده حقوق جنسی زوجین در فقه امامیه و حقوق ایران

پیش رو دارد که البته برخی فعالیت‌ها به صورت راهبردی یعنی درازمدت و برخی فعالیت‌ها به صورت میان مدت و کوتاه مدت بوده است. از جمله فعالیت‌های این مرکز در بخش‌های علمی و آموزشی و پژوهشی، به انجام رسانیدن برخی طرح‌ها، پژوهش‌ها و انتشار آن در قالب کتاب می‌باشد که اهداف متعالی دانشگاه را در دستیابی به رویکردهای تعیین شده به پیش خواهد برد. در این راستا الگوی اسلامی ایرانی رشد و تعالی و پیشرفت در مسیر اهداف متعالی و بلند نظام جمهوری اسلامی، از رویکردهای نوینی است که در رسیدن به فعالیت‌های برنامه‌ای مورد توجه واقع می‌شود.

معاونت پژوهشی از زمان تشکیل تاکنون به این مهم توجه داشته و برنامه‌ها و فعالیت‌هایی را به انجام رسانیده است. این معاونت تلاش دارد با عمق بخشیدن به این فعالیت‌ها و تهیه و تنظیم برنامه‌های راهبردی در راستای محقق نمودن پژوهش‌هایی علمی، راهبردی و کاربردی دانشگاه گام‌هایی را بردارد؛ و مطابق با ساختار علمی دانشگاه به عنوان سازمانی دانش بنیان، برنامه محور، توسعه‌گرا و تحول‌مدار برای پاسخ‌گویی به نیازهای رو به رشد جامعه فراگیران خود، تلاش دارد با نیازمندی و پاسخ‌گویی به مطالبات به پژوههای علمی خود به ویژه در شاخه‌های مطالعات زنان با گرایش‌های نسل جوان پاسخ دهد.

خوشبختانه این فعالیت مورد استقبال اساتید، دانشجویان و برخی محیط‌های علمی در استفاده و بهره‌برداری از برخی کتب چاپ شده بوده است. از کلیه کسانی که ما را در این مسیر یاری نموده‌اند تشکر و تقدیر نموده و از همه محققان و فرهیختگان گرامی جهت همکاری در امور علمی پژوهشی دعوت می‌نماییم.

اداره کل پژوهش،
حوزه معاونت پژوهشی و فناوری
پردیس خواهران

مقدمه

یکی از گرایش‌های غریزی بشریت میل جنسی است، که در مکتب وحی در کنار پرورش و رشد سایر استعدادها و ابعاد وجودی آدمی، لازمه رسیدن به تکامل حقیقی و قرب الى الله است. توجه وافر و درخور اندیشه دین مبین اسلام به این غریزه و میل، بدین دلیل است که باید آنچنان در مسیر تعادل هدایت شود، که آدمی را به هدف خلقتش که همان مقام خلیفه‌الله‌ی است برساند.

۱. بیان مسئله

اهمیت و جایگاه میل جنسی در آدمی چنان است، که هرگونه افراط و تفریط در آن، نتیجه‌ای جز سقوط به مراتب نازله وجود نخواهد داشت. تاریخ حیات بشریت مملو از انسان‌هایی است، که یا در سکرات و شهوات خویش غرق شده‌اند، و یا با سرکوب و فروخواباندن این غریزه، از جاده‌های حقیقی حیات به کلی منحرف گردیده، و آثار مخربی بر روح و جسم خویش وارد ساخته‌اند.

دین حقیقت‌گستر اسلام، توجه خاصی به این نیاز اساسی بشر داشته، و برای پاسخ‌گویی به آن، برنامه‌های خاصی مطابق و هماهنگ با سایر توانایی‌ها و قابلیت‌های بشر، در قالب نظام اخلاق جنسی مقرر نموده است. یکی از بهترین شیوه‌هایی که بدین منظور تبیین شده است، ارضاء میل

جنسی در سایه ازدواج^۱ و برخورداری از رابطه‌ای همراه با عشق، مودت و رحمت می‌باشد.^۲

ازدواج کلید حرکت به‌سوی پاکی و طهارت و موجب پیشگیری از بسیاری از مفاسد و شرور اجتماعی است. در بسیاری از روایات به این مهم اشاره شده است که ازدواج مصونیتی ایجاد می‌کند، که به واسطه آن نصف دین حفظ می‌شود، و در بعض روایات تا صیانت دوسوم دین را در گرو ازدواج قرار داده‌اند.^۳

بر این اساس، شریعت می‌بین از یک سو جوانان را به سنت حسن ازدواج ترغیب نموده، و آن را از روش‌های پسندیده انبیاء می‌شمرد، و از سوی دیگر هرگونه التذاذ و تمتع جنسی را در خارج فضای خانواده مطرود و مفسدہ دانسته، و آن را در قالب محترمات بیان می‌دارد. محصور بودن تمتعات جنسی در چارچوب روابط زوجیت، علاوه بر کامیابی زن و مرد، باعث افزایش علقه وصمیمت و درنتیجه استحکام نهاد خانواده می‌شود. از طرفی این قاعده‌مندی سلامت اخلاقی و جنسی جامعه را نیز تأمین می‌نماید. در تفکر اسلامی ازدواج صحیح و تشکیل خانواده دریچه ورود برکات و خیرات و گامی مهم و اساسی در راستای تکامل آدمی و رسیدن به مقام انسانیت است. اما پرسش این است که جایگاه تمتعات جنسی زوجین، به هنگام تعیین ماهیت عقد نکاح چیست؟ گرچه ارضای جنسی یکی از اهداف مهم تشکیل خانواده است، اما باید دید که آیا تمام هدف نکاح است؟ زیرا هدف و غایت از ازدواج نیل به امور گوناگونی است، که به‌طور قطع رابطه

۱. «وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ إِلَّا عَلَى أَزْوَاجِهِمْ أُولُو مَا مَكَّتَهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مُلْوَمِينَ فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَاذُونَ» (مومنون، ۶-۵).

۲. «وَمَنْ أَيَّتَهُ أَنْ خَلَقْنَا مِنْ أَنفُسِكُمْ أَزْوَاجًا يُشْكِنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَكَبَّرُونَ» (روم، ۲۱).

۳. الحر العاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه الى تحصیل مسائل الشریعه، تحقیق: الربانی الشیرازی، عبدالرحیم، بیروت، دار احیاء التراث العربي، بی‌تا، ج ۱۴، ص ۵۷ ح ۲.

جنسی زن و مرد یکی از مهمترین آنهاست. اما آیا طبق اعتقاد برخی فقهاء و حقوقدانان^۱ اتحاد جنسی تمام سبب نکاح است؟ و یا مباح بودن رابطه زناشویی جزء سبب نکاح می‌باشد؟ این امر ابتدا با بررسی دقیق تعریف و کاربرد واژه نکاح، در منابع فقهی حقوقی، و در ادامه با بررسی ماهوی معاوضی بودن بعض و مهر در نکاح، تتحقق می‌یابد. یافته‌های حاصله از این پژوهش، جایگاه فقهی حقوقی شرط عدم رابطه جنسی در شروط ضمن عقد نکاح را روشن می‌سازد. زیرا اگر روابط خاص زناشویی مقتضای ذات عقد نکاح محسوب شود، شرط خلاف آن باطل و مبطل عقد است، در حالی که جزئیت روابط جنسی در اسباب نکاح، و مقتضی نبودن آن، امکان شرط عدم آن را فراهم می‌سازد. مشخص شدن این موضوع، این امر نیازمند بررسی و کاوش دقیق در منابع فقه امامیه و نظام حقوقی ایران است.

قانون مدنی ایران که در اکثریت مواد برگرفته از نظر مشهور فقهاء امامیه است، با اشاره به اصطلاح تمکین در قالب عنوان وظایف زوجیت، حق بهره‌برداری جنسی را مورد توجه قرار داده است.^۲ از دیدگاه حقوقی، تمکین دارای دو معنای عام و خاص است؛ تمکین در معنای خاص آن عبارت است از این‌که زن امکان بهره‌برداری جنسی را به‌طور متعارف به

۱. امامی، سید حسن، حقوق مدنی، تهران، کتابفروشی اسلامیه، چاپ ششم، ۱۳۷۰ ش. ج. ۴، ص ۲۶۸.

۲. ماده ۱۱۰۲ قانون مدنی: «همین که نکاح به طور صحت واقع شد، روابط زوجیت بین طرفین موجود و حقوق و تکالیف زوجین در مقابل یکدیگر برقرار می‌شود.»
ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی: «هرگاه زن بدون مانع مشروع از ادائی وظایف زوجیت امتناع کند، مستحق نفقة نخواهد بود.»

ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی: «زن می‌تواند تا مهر به او تسليم نشده، از ایفای وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند، مشروط بر اینکه مهر او حال باشد، و این امتناع مسقط حق نفقة نخواهد بود.»
ماده ۱۰۸۶ قانون مدنی: «اگر زن قبل از اخذ مهر، به اختیار خود به ایفای وظایفی که در مقابل شوهر دارد قیام نمود، دیگر نمی‌تواند از حکم ماده قبل استفاده کند، معدلک حقی که برای مطالبه مهر دارد ساقط نخواهد شد.»

شوهر بدهد، و تمکین عام بدین معنی است که زن وظایف و تکالیف خود را در برابر شوهر در حدود عرفی و قانونی انجام دهد.^۱

در فقه شیعی از تمکین و نشور، در ضمن بحث از مهر، نفقه و حق قسم یاد می‌شود. موضوع نشور به طور مستقل، یا به همراه قسم و شقاق مطرح می‌شود، اما تمکین عنوانی استقلالی نداشته، بلکه به صورت عنوانی انتزاعی توسط فقها از سایر ادله فقهی انتزاع شده، و خود مستقلاً موضوع دلیلی قرار نگرفته است. نشور به معنای ارتفاع و بلند شدن،^۲ در برابر تمکین قرار داشته، و عبارت از نافرمانی و وظیفه‌نشناسی یکی از زوجین است. گرچه اصطلاح نشور در قرآن‌کریم و فقه امامیه بر هر دوی زن و مرد اطلاق می‌شود، و ممتنع اگر مرد باشد ناشر و اگر زن باشد ناشرزه است،^۳ اما تمکین همان‌گونه که از تعریف آن استنباط می‌شود، ناشی از خصیصه ریاست مرد بر خانواده دانسته شده و صرفاً به زن حمل می‌شود. این درحالی است که نظام خانواده مبتنی بر حق و تکلیف متقابل بوده، و همان‌گونه که زن در برابر مرد تکالیفی دارد، مرد نیز در برابر زن موظف به ادای تکلیف و انجام وظیفه است. بنابراین لازم می‌آید، که در بررسی مسأله تمکین خاص در نظام خانواده، نیازها و تقاضاهای جنسی هر دوی زوجین را مد نظر داشته، و تنها به بیان تکالیف جنسی زوجه در قبال زوج بسته نکرده، و تکالیف زناشویی زوج را نیز در سایه فقه و حقوق تبیین نمود.

۱. کاتوزیان، ناصر، حقوقی مدنی (خانواده)، تهران، شرکت انتشار چاپ سوم، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۲۷ – ۲۲۸، صفائی، سید حسین و امامی، اسدالله، مختصر حقوق خانواده، تهران، نشرمیزان، چاپ دهم، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۷۳.

۲. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، مصر، مکتبه و مطبعه مصطفی البالی الحلبي، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۶۸۳.
 ۳. «وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَعْلَمُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْنَا كَبِيرًا» (نساء، ۳۴). «وَإِنِّي أَمْرَأٌ خَافِتٌ مِّنْ بَعْلِهِ نُسُواً أُوْغَرَضْتُ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمْ اصْلَحًا وَالصُّلُحُ خَيْرٌ وَأَحْسِرَتِ النَّفْسُ الشُّجُّ وَإِنْ تُحْسِنُوا وَتَنْعِنُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا» (نساء، ۱۲۸).

در تعالیم اسلامی از جمله حقوق زوج بر زوجه این است که او را اطاعت کرده و نافرمانی نکند.^۱ اجمال این حق مورد قبول فقهاء است.^۲ اما باید محدوده این اطاعت مشخص گردد، و روشن شود که آیا این اطاعت مطلق است یا خیر؟ از بررسی معاجم فقهی به دست می‌آید که قادر متین اطاعت زوجه از زوج، تمکین جنسی است. بدین صورت که برخی از فقهاء محدوده اطاعت زوجه را فقط در باب استمتاعات می‌دانند،^۳ و برخی دیگر دایره اطاعت را فراتر از روابط جنسی بیان می‌دارند.^۴ از این روی لازم است به طور دقیق دایره شمول حقوق جنسی زوج را بررسی نموده، و با بررسی آدله روشن نماییم که دامنه حق استمتاع جنسی زوج تا کجاست؟ آیا حقی مطلق است به گونه‌ای که زن در هر شرایطی ملزم به ارضاء تمامی خواسته‌های جنسی شوهر است؟ یا آنکه تحت حکومت ادله و احکامی قرار گرفته و مقید می‌شود؟

۱. «و من حقه عليها ان تطيعه و لاتعصيه» الحر العاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه الى تحصیل مسائل الشریعه، پیشین، ج ۱۴، باب ۷۹ از ابواب مقدمات نکاح، ح ۱، ص ۱۱۲؛ کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، الفروع من الكافی، تهران، دار الكتب الاسلامیه، ۱۳۵۰، ج ۵، ص ۵۰۷.

۲. النجفی، محمد حسن، جواهر الكلام، تحقیق و تعلیق: محمود انقرچانی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم، بی‌تا، ج ۳۱، ص ۴۲۷؛ الجبعی العاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی بن احمد، مسالک الادهان الى تقيق شرایع الاسلام، قم، مؤسسه معارف الاسلامیه، ۱۴۲۵، ج ۸، ص ۳۰۸؛ الاصفهانی (فضل هندی)، محمد بن حسن بن محمد، کشف اللثام و الابهام عن قواعد الاحکام، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۶، ج ۷، ص ۴۸۶؛ الموسوی الخمینی، روح الله، تحریر الوسیله، مترجم: علی اسلامی و قاضی زاده، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ بیست و دوم، ج ۳، ص ۵۴۰.

۳. «اذلا يجب عليه اقضاء حاجته التي لاتعلق بالاستمتاع» الطباطبائی (صاحب ریاض)، سید علی بن محمد بن ابی معاذ، ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام بالدلائل، قم، مؤسسه آل الیت طبلی، ۱۴۱۸، هـ، ج ۷، ص ۱۹۹.

۴. الطووسی، ابو جعفر محمد بن الحسن بن علی، المبسوط فی الفقه الامامیه، محقق سید محمد تقی کشfi، تهران، المکتبه المركضویه لاحیاء الآثار الجعفریه، چاپ سوم، ج ۴، ص ۳۳۷.

تبیع در باب تمکین جنسی زن، از این جهت بسیار مهم است که این امر، پس از آیه ۳۴ سوره نساء، مهم‌ترین دلیلی است که برای اثبات سرپرستی مرد در خانواده بدان تمسک می‌شود. از سوی دیگر درباب قوامیت مرد مشاهده می‌شود که بسیاری از امور مانند نذر و قسم، عبادات مستحبی و ... منوط به مسأله خروج زن از منزل و حق جنسی مرد می‌شود. این درحالی است که خروج از منزل نیز بدین امر ارجاع می‌شود، به این معنا که بسیاری از فعالیت‌های زن از جمله خروج از منزل با حقوق جنسی مرد سنجیده شده و تحدید می‌شود. بنابراین، ضروری است که ادله این حق به طور گسترده بررسی شود، و حريم و حدود تمکین جنسی زن مشخص گردد. در این مسأله به سه دلیل رایج در متون فقهی یعنی کتاب، سنت و اجماع تمسک می‌شود. برای مثال در تفسیر و استنباط حکم از آیاتی چون ۲۲۳ سوره بقره،^۱ اقوالی وجود دارد که عبارت را مطلق دانسته، و بر این اساس حق هرگونه بهره‌وری جنسی از زن را به مردان می‌دهد. بدین معنا که مردان در هر زمان و هر مکان، هر نوع استمتاعی از همسر خود می‌توانند داشته باشند.^۲ اما از آن سو دلایل و اقوالی، اطلاق آیه را در جهت جواز و رفع حظر می‌دانند، نه در جهت اثبات حق یا تکلیف.^۳

در باب سنت نیز دسته‌ای از روایات با بیاناتی چون «ولو کانت علی ظهر قتب»^۴ و... شایبه اطلاق را ایجاد می‌کنند، اما معارض‌ها و مقیدهایی در سایر

۱. «إِنْسَأُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شَيْئُمْ وَ قَدْمَوْا لِأَنْفُسِكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ وَ بَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ».

۲. الخوئی، محمد تقی، مبانی العروه الوثقی (تقریرات درس السيد ابوالقاسم الموسوی الخوئی کتاب النکاح)، قم، لطفی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، صص ۱۳۱ - ۱۳۲.

۳. الطباطبائی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۲ش، ج ۲، صص ۲۱۳ - ۲۱۲.

۴. محمد بن یعقوب عن عده من اصحابنا عن احمد بن محمد بن محبوب عن مالک بن عطیه عن محمد بن مسلم عن ابی جعفر علیه السلام ... ما حق الزوج على المرأة فقال: «...و لا تمنعه نفسها و ان كانت على ظهر قتب» الحرعالعاملى، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه الى تحصیل مسائل الشریعه، ادامه در صفحه بعد

روایات در مقابل آنها وجود دارد، که بررسی این تعارضات و جمع‌بندی و نتیجه‌گیری نهایی از آنها، جهت تبیین امر ضروری است.

از سویی وجود ادله‌ای چون قاعده‌لاضرر، حرمت ایذاء مسلم، مبانی عسر و حرج، نقش مهمی که در حکومت و ورود به ادله حق جنسی زوج داشته، و در تحدید و مرزیندی این حقوق کاملاً مؤثر خواهد بود. دیگر آن که آیاتی چون «وعاشرُوهنَّ بِالْمَعْرُوفِ»^۱ و یا «وَأَتَمْرُوا بِيَسْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ»^۲ نیز، دلالت بر اصل معروف و رجوع به عرف حسنه دارد. براساس این آیات، معیار و ملاک تشخیص مسأله را می‌توان عرف هر زمان دانست. چنان‌چه فقهای عظام با استناد به این آیات، التذاذ طرفینی در استمتاع را مطرح نموده‌اند.^۳ برخی اساتید حقوق نیز معتقدند در مورد تمکین خاص، این عرف و اخلاقی است که داوری نهایی را بر عهده دارد.^۴ در این صورت بررسی عرف جنسی رایج نیز ضرورت می‌یابد.

از آنجا که استمتاع جنسی، امری کاملاً دو جانبی بوده، و هرگونه نیاز به ارضای جنسی در فرد، پاسخی به صورت وظیفه و تکلیف در همسر او دارد، بررسی این امر ضروری است که آیا در فقه امامیه تنها از حق جنسی مردان سخن به میان رفته، و حقوق جنسی زن به تبع این ادله، از راه اصولی چون

پیشین، ج ۱۴، ص ۱۱۲، ح ۱. این حدیث با اندک تفاوتی در کتب اهل سنت نیز آمده است.
الغزوینی (ابن ماجه). محمد بن یزید. سنن ابن ماجه، تحقیق: محمد فواد عبدالباقي، بیروت،
دارالحیاء التراث العربي، ۱۳۹۵هـ، ق ۱، ص ۵۹۵، ش ۱۸۴۳.

١. (نساء، ١٩)

٢. (طلاق، ٦)

٣٣. او اذا كان الزوج عظيم الخلقه كبير البدن غليظ الذكر، وكانت ضعيف نحيف نضو الخلق عليه فى جماعه شدت ضرر و لا تأمين الجنئه عليها بافضاء او غيره، منع من جماعها لقوله تعالى وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَمِنَ الْمَعْرُوفِ أَن يَكُونُ الْجَمَاعُ عَلَى صَفَهِ يَأْتِيُذَانُ بِهِ^٤. الطرسى، ابو جعفر محمد بن الحسن بن علي ، المسوط في الفقه الإمامية، بيتنز، ج ٢، ص ١٣.

^۴. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی (خانواده)، تهران، شرکت انتشار، چاپ سوم، ۱۳۷۱ هش، ج ۱، ص ۲۲۸.

تقابل حقوق و تکالیف به دست می‌آید، یا ادله‌ای وجود دارد که به‌طور خاص به اثبات حق جنسی زنان می‌پردازد؟

از نگاه فقهی شواهد متعددی بر حقوق جنسی زوجه دلالت دارند. گروهی از این دلایل تنها به‌طور اجمالی به حق جنسی زن اشاره نموده، و اصل وجود آن را پذیرفته‌اند.^۱ تعدادی دیگر، اندکی بیشتر به موضوع پرداخته، و به تعیین حداقل‌ها و ضرورت‌های نیاز جنسی زن می‌پردازن.^۲ دلایل دیگری نیز موجودند که بر وجوب اراضی جنسی زن دلالت دارند. دلایلی که در این مرحله ممکن است به آنها استناد شود، اقتضایات گوناگونی دارند. اقتضای برخی آن است که اگر «خطر به گناه افتادن زن» وجود داشته باشد، زوج مکلف به اراضی نیاز جنسی اوست. برخی دیگر از این دلایل، معیار وسیع‌تری را برای وجوب اراضی جنسی زن توسط شوهر اثبات می‌کنند، و آن این است که زن در اثر خودداری زوج از برقراری رابطه جنسی به «ضرر و مشقت» افتاد، هرچند این امر به ارتکاب گناه منجر نشود. از این گسترده‌تر، معیاری است که از ادله دیگری استفاده می‌شود، و آن وجوب اراضی جنسی زوجه توسط زوج در صورت «تمایل» زن است، گرچه خطر به گناه افتادن، یا حتی ضرر و مشقت نیز درمیان نباشد. ادله‌ای

۱. در یکی از این روایات که از اعتبار سندي نیز برخوردار است، می‌خوانیم: «إِنَّ عَلَيْهَا عَلَيْهِ سَلَلَ مِنَ الْمَرْأَةِ تَرْعُمُ أَنَّ زَوْجَهَا لَا يَمْسِهَا وَ يَرْعِمُهَا يَمْسِهَا قَالَ يَحْلِفُ ثُمَّ يَتَرَكُ» الحراج‌العاملي، محمد بن الحسن، وسائل الشيعه الى تحصيل مسائل الشریعه، پیشین، ج ۱۵، باب ۱۳ از ابواب الایلاء، ص ۵۴۷ روایات دیگری نیز به همین مضمون آمده است. نک به: همان، ج ۴، باب ۱۵ از ابواب العیوب والتلیس، ص ۶۱۳.

۲. عن صفوان بن یحیی، عن ابی الحسن الرضا عليه السلام اَنَّهُ سَأَلَهُ عَنِ الرَّجُلِ تَكُونُ عَنْهُ الْمَرْأَةُ الشَّابَهُ فَيَمْسِكُ عَنْهَا الْأَشْهَرَ وَ السَّنَهَ لَا يَقْرَبُهَا. لَيْسَ يَرِيدُ الاضرَارَ بِهَا يَكُونُ لَهُمْ مُصِيبَهُ يَكُونُ فِي ذَلِكَ آثَمًا؟ قَالَ «إِذَا تَرَكَهَا أَرْبَعَهُ أَشْهَرَ كَانَ آثَمًا بَعْدَ ذَلِكَ». الحراج‌العاملي، محمد بن الحسن، وسائل الشيعه الى تحصيل مسائل الشریعه، پیشین، ج ۱۴، باب ۷۱ از ابواب مقدمات نکاح، ح ۱؛ القمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی بن حسین بن بابویه، من لا يحضره الفقيه، قم، مؤسسه انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ سوم، ۱۴۱۳هـ ق، ج ۳، ص ۴۰۵.

چون ادله نهی از منکر، قاعدة حرمت اعانت بر اشم، قاعدة معاشرت به معروف، قاعدة ممائالت در حقوق.

افزون بر مذاقه در این ادله، بررسی مصاديق مطروحه حقوق جنسی زوجه نیز ضروری است. امری که به صراحت در ادله به آنها اشاره شده است. از جمله این مصاديق می‌توان به حق قسم، حق آمیزش حداقل هر چهار ماه یکبار، و حق انحلال نکاح به واسطه بروز مشکلات جنسی، که خود مشتمل بر حق فسخ نکاح و حق طلاق است، اشاره نمود. از آنجا که برخی از عیوب موجب فسخ نکاح، عروض ناتوانی‌های جنسی در زوجین، مانند عنن، خصاء، جب، قرن و افضاء می‌باشند، و منصوصه بودن آنها، دلیل بر تعبدی بودن آرای قضایی است، لازم است تا جهت جلوگیری از تشست احکام در این خصوص، مورد بررسی دقیق قرار بگیرند. از سویی شروطی که در متن نکاح‌نامه‌های رسمی به زوجه حق طلاق داده‌اند، در یک بند صرفاً به عقیم بودن زوج اشاره نموده‌اند. مطابق این شرط، در صورتی که پس از گذشت پنج سال، زوجه از شوهر خود به جهت عقیم بودن و یا عوارض جسمی دیگر، صاحب فرزند نشود، به وی اختیار طلاق داده شده است.

نکته دیگر آن که روایات و توصیه‌های اخلاقی فراوانی در باب کراحت و یا استحباب روابط زناشویی در زمان‌ها، مکان‌ها و شرایط خاصی موجود است، که همگی در تحدید و مرزبندی مسأله کام‌جوبی زوجین دخیل هستند. اما همان‌گونه که بیان شد، هدف قانون‌مند کردن کلی مسأله، در غیر موارد احصا شده می‌باشد.

به‌طور کلی باید اذعان داشت، حقوق ایران از تمکین خاص، روابط زناشویی زوجین و حدود و ضوابط آن سخنی جامع به میان نیاورده، و حتی تعریف دقیقی نیز در این موارد ارائه نشده است. به عنوان مثال در قانون مدنی به‌طور مکرر از عبارت «وظایف زوجیت»، «روابط زوجیت» و «حقوق

و تکالیف زوجین» استفاده شده،^۱ بدون آنکه دقیقاً معلوم شود که مقصود از آنها چیست. آیا مفهوم این عبارات در همه موارد یکسان است یا آنکه چنین نیست؟ اگر مقصود یک امر واحد است آن امر کدام است؟ و اگر تفاوت می‌کند، چگونه می‌توان مقصود را در هر مورد تشخیص داد؟ همین اجمال موجب شده تا حقوقدانان از این مواد برداشت‌های متفاوتی داشته باشند. لذا از آن‌جا که قانون‌گذار بدون بیان یک ضابطه معین، یا ذکر قرینه‌ای مشخص، تنها به‌طور مکرر از اصطلاحاتی چون وظایف زوجیت استفاده نموده، و قوانین دیگر اعم از قانون حمایت خانواده یا قوانین جزایی نتوانسته‌اند این نقیصه را جبران کنند، با توجه به اصل یکصد و شصت و هفت قانون اساسی که اشعار می‌دارد در موارد نقص یا اجمال یا ابهام قوانین باید به منابع فقهی و فتاوی معتبر مراجعه کرد، لزوم مراجعته به مبانی فقهی ضرورت می‌یابد. گذشته از این اجمال، قانون مدنی تعریف مشخصی از تمکین خاص و محدوده آن ارائه نداده است، و مشخص نیست آیا زن در هر شرایطی و به هر نحو، حتی در قبال انحرافات جنسی زوج که متأسفانه برخی از انواع آن شایع است، مکلف به تمکین است؟ از سوی دیگر با توجه به اینکه فقه و شریعت برای زن نیز حق تمتuat جنسی تحت عناوین قسم و همخوابگی قائل شده‌اند، قانون مدنی ایران این موضوعات را مسکوت گذاشته است.

پس از مشخص نمودن و تبیین حقوق جنسی زوجین، نوبت به بررسی فقهی حقوقی برخی فروعات و مسائل مربوط به آمیزش زوجین می‌رسد، فروعاتی که در معاجم فقهی از آنها به تفصیل سخن رفته، اما در قوانین موضوعه کم‌رنگ می‌باشند. اموری چون کترل تولید مثل، نزدیکی با دختر نابالغ و کام‌جوبی از پشت زن. در مورد بهره جنسی بردن از همسر، از غیر مجرای طبیعی دو نظریه عمده وجود دارد. نظر مشهور و اقوی آن است که نزدیکی در دُبَر (پشت) زوجه با کراحت شدید جایز است، ولی احوط ترک

۱. این مفهوم در موارد «۱۰۸۵»، «۱۰۸۶»، «۱۰۸۲» و «۱۰۸۸» قانون مدنی ذکر شده است.

آن است، خصوصاً اگر زوجه راضی نباشد.^۱ اما برخی از فقهاء نیز این عمل را حرام می‌دانند.^۲ این موضوع در تبیین مسائلی چون انحرافات جنسی زوج و تعیین مصدق دخول در وجوب نفعه زوجه، کارساز خواهد بود. از سویی به اتفاق فقهاء جلوگیری از انعقاد نفعه یا عزل، در صورتی که زن و شوهر رضایت بر این امر داشته باشند اشکالی ندارد.^۳ اما محل اختلاف جایی است که یکی از زوجین رضایت ندارد. در این صورت باید بررسی کرد که در صورت عدم رضایت زوجه، مرد می‌تواند از بارداری او جلوگیری کند؟ اگر زوجه مایل به بارداری نبوده و زوج مخالف این امر باشد، حکم چگونه است؟ مسأله دیگر آنکه فقهای شیعه همگی بر این اتفاقند، که نزدیکی با زوجه قبل از تمام شدن نه سال حرام بوده، و جایز نیست.^۴ گرچه ازدواج صغیره با رضایت ولی مانعی ندارد. باید دید بازتاب این امر در قوانین حقوقی ایران چگونه بوده، و مقنن برای این موضوع چه تمہیدی اندیشیده است؟

پس از بررسی تعریف و جایگاه تمتعات جنسی، لازم است که آثار و تبعات تمکین خاص در فقه امامیه و نظام حقوقی ایران مورد کنکاش قرار بگیرد. از آنجا که فقهاء و حقوقدانان، تمکین را ناشی از خصیصه ریاست مرد بر خانواده دانسته، و آن را صرفاً به زنان حمل نموده‌اند، و از تمکین مرد سخنی به میان نیاورده‌اند، در مقام بیان آثار تمکین نیز، تنها از نتایج تمکین زوجه، و وظایف زوج در قبال ایفای تکالیف توسط زوجه بحث کرده، و در باب آثار تمکین زوج مطلبی ندارند. بنابراین، باید روش نمائیم در صورتی که زوجه تمکین کامل نموده، و وظایف همسری خود را به درستی ایفا

۱. الموسوی الخمینی، روح الله، تحریرالوسیله، پیشین، ج ۳، ص ۴۳۱.

۲. تمیین، ابن حمزه، ابی الفتح، راوندی، ابی المکارم نقل در الحسینی الشیرازی، السید محمد، الفقه، بیروت، دارالعلوم، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۳۱۵.

۳. الموسوی الخمینی، روح الله، تحریرالوسیله، پیشین، ج ۳، ص ۴۳۱.

۴. «اجماعاً ايضاً بقسميه (محصل و منقول)» النجفي، محمد حسن، جواهر الكلام، پیشین، ج ۲۹، ص ۴۱۴.

نماید، به طور متقابل چه تکالیفی بر عهده زوج قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، آثار و نتایج تمکین زوجه در خانواده چه می‌باشد؟ از سویی باید بررسی نمود اگر زوجه تمکین عام داشته، ولی حاضر به تمکین خاص نیست آیا باز هم مستحق همه حقوق و نتایج ناشی از تمکین می‌باشد یا آنکه چنین نیست؟

در صورتی که زوجه وظایف و تکالیف خود را در خانواده ایفا نموده، و تمکین تام جنسی داشته باشد، زوج در قبال او ملزم به انجام وظایفی همچون پرداخت مخارج و انفاق می‌گردد. اما آیا تمکین شرط نفقه است، یا نفقه به محض انعقاد عقد نکاح ضرورت می‌یابد؟ پاسخ به این پرسش مهم روشنگر مسائل حقوقی خطیری چون تعیین طرفین دعوای تمکین، یا وجوب انفاق در دوران عقد خواهد بود. از سویی ملکیت زن نسبت به تمام مهر هنگامی محقق می‌شود، که وی تمکین خاص نموده باشد. اما آیا دخولی که زوجه را مستحق تمام مهر می‌گرداند، اعم از دخول در پشت و جلو است، یا تنها آمیزش از جلو ملاک است؟ دیگر آنکه اگر زوج و زوجه خلوت کنند، و مانعی برای نزدیکی نباشد، و پس از آن زن برای ثبوت کل مهر ادعای موقعه نماید، آیا خلوت می‌تواند اماره‌ای بر دخول باشد؟ یا آن که زن باید دلیل دیگری برای اثبات دخول ارائه نماید؟

از سویی بر اساس ماده ۱۰۹۲ قانون مدنی^۱ تنصیف مهریه قبل از عمل زناشوئی، صرفاً در طلاق بوده، و ذکری از فوت یکی از زوجین نشده است. حال پرسشی که مطرح می‌شود آن است، که در فرض انحلال نکاح پیش از موقعه، به واسطه فوت یکی از زوجین، آیا مهریه تنصیف می‌شود؟ به عبارت دیگر آیا تنها عامل کامل گشتن مهریه، وقوع نزدیکی است؟ مسئله

۱. ماده ۱۰۹۲ قانون مدنی: «هرگاه شوهر قبل از نزدیکی زن خود را طلاق دهد زن مستحق نصف مهر خواهد بود و اگر شوهر پیش از نصف مهر را قبلاً داده باشد حق دارد مازاد از نصف را عیناً یا مثلاً یا قیمتاً استرداد کند».

توارث و ثبوت اجرت المثل و نحله نیز از آثار تمکین زوجه در فقه امامیه و حقوق ایران است، که نیازمند تبیین و مناقشه خواهد بود.

موضوع دیگر آنکه، فقه امامیه و بالتبیع آن قانون‌گذار ایران، در مواردی زوجه را از تمکین خاص در برابر زوج معاف دانسته است. از سویی بر طبق حکم شریعت، مرد ملزم است تا نیازهای جنسی همسرش را مرتفع نماید. اما ممکن است عواملی عقلی و شرعی مانع اتیان این واجب گردد. با مذاقه در متون فقهی این نتیجه حاصل می‌شود که در کتب فقهی پیرامون تمکین، حدود آن و موارد جواز عدم تمکین، بحث خاصی مطرح نشده، و فقط از موضوع حق حبس زوجه و جواز وی در عدم تمکین، و نیز عدم اسقاط حق نفقة وی در این فرض، و برخی موارد شرعی تجویز عدم تمکین، مانند در حالت حیض و نفاس بودن زوجه سخن به میان آمده است.^۱ این در حالی است که افزون بر مصاديق یاد شده، در موارد بسیاری عقیده به وجوب تمکین خاص، متضرر شدن فرد را به دنبال دارد؛ موارد بیماری‌های مسری همسر و یا وجود بیماری در خود فرد به گونه‌ای که برقراری رابطه از سوی وی، تشدید بیماری یا تأخیر در درمان را به همراه داشته باشد. در این موضع است که باید بر اساس اصل نفی هرگونه ضرر و اضرار در اسلام، حکم به جواز عدم تمکین جنسی داد. عدم تمکینی که ضمانت اجرایی چون محرومیت از انفاق را به همراه نخواهد داشت.

۱. در فقه امامیه، روابط جنسی زوجین در برخی شرایط محروم شمرده شده، که مسلماً در این موقع، مرد حق نزدیکی نخواهد داشت، و زن موظف به تمکین در موقعه نیست. ایامی که آمیزش در آنها حرام شمرده شده است به شرح ذیل می‌باشد: ۱- ایام عادت ماهانه (حیض) ۲- ایام استحاضه، پیش از انجام غسل استحاضه ۳- ایام خونریزی پس از زایمان (نفاس) ۴- هرگاه آمیزش ضرر داشته باشد، مثلاً هنگام بارداری نزدیک به زایمان برای برخی خانم‌ها ۵- جماع کردن در روزهایی که حیض زن قطعی نیست ولی شرعاً باید برای خود حیض قرار دهد ۶- در حال روزه ماه مبارک رمضان ۷- در حال احرام انواع حج و نیز احرام عمره ۸- آمیزش با دختر نابالغ قبل از اتمام ۹ سال. فلاح زاده، محمد حسین، احکام فقهی، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۸ ش، ج ۲، ص ۲۰۴.

در قوانین موضوعه ایران نیز در چند موضع در خصوص جواز زوجه نسبت به عدم تمکین تغیر حکم شده است. در این میان صرفاً در بحث ابتلای زوج به یکی از امراض مقاربی است که به صراحت از جواز زوجه نسبت به عدم تمکین خاص و عدم سقوط حق نفقه وی، سخن به میان آمده است. این در حالی است که در دیگر فروض پیش‌بینی شده از سوی مفمن، نسبت به شمول حکم نسبت به هر دو قسم تمکین و یا صرف انحصار آن در قسم خاصی از آن، میان نویسنده‌گان حقوق و بالتیع محاکم اختلاف است. وجود این مقررات محدود و گاه ناظر بر فروض خاص در حالی است، که قاعده لاضر به عنوان یکی از مشهورترین قواعد فقهی اسلام، این قابلیت را دارد که با حکومت بر ادله احکام اولیه، احکام ضرری و یا احکام متعلق به موضوعات متضمن ضرر و از جمله لروم تمکین زوجه را در فروضی که ورود چنین ضرری متصور است، مرتفع ساخته، و جواز عدم تمکین زوجه را موجب شود.

موضوع دیگر آن‌که باید مشخص نمود آیا تمکین خاص، تنها منحصر به وقوع رابطه خاص زناشویی بوده و یا تمامی استماعات همچون تقبیل و مضاجعه را نیز در بر می‌گیرد؟ این پرسش از آن جهت واجد اهمیت است که گذشته از سکوت قانون در این خصوص، موضع فقهاء، نویسنده‌گان حقوق و محاکم نیز، در این موارد متفاوت است. دیگر آن‌که آیا اعسار زوج موجب اسقاط حق حبس زوجه می‌گردد؟ و یا معسر یا موسر بودن زوج، در جواز امتناع زوجه تأثیری ندارد؟

جهت استفاده کاربردی از مباحث مطروحه، نگرشی بر مباحث روانشناسی و اجتماعی نیز ضرورت دارد. زیرا تعاریف روانشناسی مانند تعریف اختلالات و انحرافات جنسی، در تبیین و مشخص ساختن موضوع بحث، که فقه و حقوق متصلی اعلام حکم آن هستند، مؤثر خواهند بود. چه بسا علت عدم استیفای حقوق جنسی زوجه و یا زیاده‌خواهی‌های زوج،

وجود اختلال یا انحراف جنسی در روی باشد، که در این صورت وقوف بر این مسأله سرآغاز تحلیل‌ها واحکام جامع‌تر و دقیق‌تر فقهی حقوقی می‌شود. پس از بیان محدوده وظایف و تکالیف جنسی زوجین و آثار آن ضروری است که ضمانت اجراهای فقه امامیه و نظام حقوقی ایران، نسبت به عدم اتیان تکالیف جنسی، و عدم ایفای وظایف زناشویی تبیین و بررسی شود. مشهور فقهای امامیه، با استناد به آیه ۳۴ سوره نساء، ضمانت اجرای عدم ایفای تکالیف مربوط به تمکین خاص از جانب زوجه را، وعظ، هجر و ضرب عنوان نموده‌اند.^۱ از سویی اسقاط حق نفقه زوجه، ضمانت اجرای دیگری است که در فقه امامیه و حقوق ایران به آن پرداخته شده است. اما ضمانت اجرایی مذکور در آیه ۳۴ سوره نساء، در متون قانونی حقوق ایران معکوس نشده، و تنها حکایت از درجات مختلف برای اعلام نوع تنفر و مخالفت زوج، نسبت به اعمال نادرست زوجه دارد.

در قوانین و مقررات ایران، برای تنبیه زنی که از ایفای وظایف زناشویی خودداری می‌نماید، ضمانت اجراهایی حقوقی چون سقوط نفقه، سقوط اجرت‌المثل و نحله، عدم برخورداری از شرط تنصیف دارایی شوهر و اجازه ازدواج مجدد زوج، و عدم امکان اعمال شرط وکالت زوجه در طلاق پیش‌بینی شده است. همچنان‌که مطابق ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی، مرد با در دست داشتن حق طلاق، می‌تواند از قید زن نافرمان و ناشهزه رها گردد. افزون بر ضرورت مدافعه در ضمانت اجراهای مطرح شده در فقه و حقوق، و پاسخ به پرسش‌هایی چون چگونگی اولویت و ترتیب ضمانت اجرایی، مقام صالح برای اجرای کیفر ناشهزه و ضمانت اجرای عدم تمکین زوجه منقطعه،

۱. النجفي، محمد حسن، جواهر الكلام، پیشین، ج ۳۱، صص ۲۰۸-۲۰۳، الجبعی العاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی بن احمد، مسالک الافهام الى تتفیع شرایع الاسلام، پیشین، ج ۹، ص ۵۷۱؛ الموسوی الخمینی، روح الله، تحریرالوسیله، پیشین، ج ۲، ص ۳۰۵.

لازم است تا از چگونگی دعوای زوج در محاکم مبنی بر الزام زوجه به تمکین، و قابلیت اجرایی حکم الزام به تمکین زوجه سخن به میان آوریم. اما همان‌گونه که امکان تخلف زوجه از وظایف جنسی وجود دارد، امکان نشوز زوج نیز متصور است. از این روی لازم است پس از طرح مباحث مربوط به نشوز زوجه، مسأله نشوز زوج را تتفییح نموده، و در این مورد نیز به بررسی ضمانت‌اجراهای مقرر در فقه و حقوق بپردازیم. عمدت‌ترین دلیلی، که در باب تخلف زوج از وظایفش وارد شده، و مورد استناد فقها قرار گرفته است، آیه ۱۲۸ سوره نساء می‌باشد. اما در حقیقت آیه شریفه در مقام بیان حکم فقهی نشوز زوج نیست، بلکه در مواقعي که خوف و ترس از نشوز مرد است، و هنوز فعل یا ترک فعلی محقق نشده، بلکه تنها احتمال آن می‌رود، و یا مرد وظایف قانونی اش را انجام می‌دهد، اما اعراض و ناخوشایندی از همسرش دارد، صلح را به عنوان بهترین راهکار پیشنهاد می‌نماید. اما چنانچه مردی ناشر شود، یعنی به تکالیف واجب خود در قبال همسر هم‌چون اتفاق و حق قسم عمل نکند، و حقوق او را نادیده انگارد، ابتدا زن می‌تواند به همسرش تذکر دهد، و از او بخواهد به وظایفش عمل نماید، اما چنانچه پند و اندرز تأثیری نداشت، حق دارد به حاکم مراجعه، و از عدم پای‌بندی شوهر به تکالیف زوجیت شکایت کند.^۱ اما آیا زوجه می‌تواند، نسبت به عصیان و سرکشی همسرش عکس العمل نشان داده، و مانند مراتب فعل زوج در نشوز زوجه، وی نیز با همسر قهر نماید، او را ترک کند و یا حتی زوج را بزنند؟ حکم این قضیه در فرضی که با انجام این امور امید به اصلاح باشد چیست؟ و پرسش دیگر آنکه آیا در صورت انجام چنین اموری زن ناشره محسوب می‌گردد؟

۱. النجفي، محمد حسن، جواهر الكلام، پیشین، ج ۳۱، ص ۲۰۷؛ الجبعي العاملي (شهيد ثانوي)، زين الدين بن على بن احمد، مسالك الافهام الى تتفییح شرایع الاسلام، پیشین، ج ۸، ص ۳۶۲.

بررسی قوانین ایران نیز نشان می‌دهد، که در صورت استنکاف زوج از ایفای وظایف واجبه خانوادگی، دو قسم ضمانت اجرای مدنی و کیفری در قبال وی وجود دارد. قانون‌گذار ایران، در باب ضمانت اجرای مدنی تخلف مرد از تکالیف خانوادگی، امکان درخواست طلاق از سوی زوجه را، در دو فرض پیش‌بینی نموده است. یکی در فرض عدم انفاق زوج، که موضوع بحث این پژوهش نیست، و دیگری عدم اتیان وظایف از جانب زوج که متنه‌ی به عسر و حرج زوجه می‌شود. در صورتی‌که تخلف زوج از ایفای وظایف خاص زناشویی، سبب عسر و حرج و مشقت زوجه گردد، به موجب ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی زوجه می‌تواند از محکمه درخواست طلاق بنماید.^۱ بنابراین، روشن نمودن مفهوم عسر و حرج در امور جنسی، ضوابط احراز آن و همچنین ماهیت طلاق به واسطه عسر و حرج ضرورت می‌یابد. در ادامه می‌توان از ایلاء و ظهار به عنوان مصاديق ترک رابطه زناشویی و در مشقت قرار دادن زوجه به‌طور مبسوط بحث نمود.

۱. ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی: «در صورتی‌که دوام زوجیت موجب عسر و حرج زوجه باشد، وی می‌تواند به حاکم شرع مراجعه و تقاضای طلاق کند، چنانچه عسر و حرج مذکور در محکمه ثابت شود، دادگاه می‌تواند زوج را اجبار به طلاق نماید، و در صورتی‌که اجبار میسر نباشد زوجه به اذن حاکم شرع طلاق داده می‌شود. تصریه: عسر و حرج موضوع این ماده عبارت است از به وجود آمدن وضعیتی که ادامه زندگی را برای زوجه با مشقت همراه ساخته، و تحمل آن مشکل باشد، و موارد ذیل در صورت احراز توسط دادگاه صالح از مصاديق عسر و حرج محسوب می‌گردد: ۱- ترک زندگی خانوادگی توسط زوج حداقل به مدت شش ماه متواتی و یا نه ماه متناوب در مدت یک سال بدون عذر موجه ۲- اعتیاد زوج به یکی از انواع مواد مخدر و یا ابتلاء وی به مشروبات الکلی که به اساس زندگی خانوادگی خلل وارد آورده و امتناع یا عدم امکان الزام وی به ترک آن در مدتی که به تشخیص پزشک برای ترک اعتیاد لازم بوده است. در صورتی‌که زوج به تعهد خود عمل ننماید و یا پس از ترک، مجدداً به مصرف مواد مذکور روی آورد، بنا به درخواست زوجه طلاق انجام خواهد شد. ۳- محکومیت قطعی زوج به حبس پنج سال یا بیشتر ۴- ضرب و شتم یا هر گونه سوءرفتار مستمر زوج که عرفاً با توجه به وضعیت زوجه قابل تحمل نباشد. ۵- ابتلاء زوج به بیماری‌های صعبالعلاج روانی یا ساری یا هر عارضه صعبالعلاج دیگری که زندگی مشترک را مختل نماید. موارد مندرج در این ماده مانع از آن نیست که دادگاه در سایر مواردی که عسر و حرج زن در دادگاه احراز شود، حکم طلاق صادر نماید».

در قوانین کیفری ایران، نشوز زوج جز در مورد ترک اتفاق، به عنوان یک قاعدة کلی جرم‌انگاری نشده است. تنها ماده ۶۴۲ قانون مجازات اسلامی چنین مقرر می‌دارد: «هرکس با داشتن استطاعت مالی نفقة زن خود را در صورت تمکین ندهد، یا از تادیه نفقة سایر اشخاص واجب النفقه امتناع نماید، دادگاه او را از سه ماه و یک روز تا پنج ماه حبس محکوم می‌نماید». بنابراین، سایر مواردی که موجب سرکشی و نشوز زوج در نظام خانواده است، از جمله نشوز جنسی، تنها ضمانت اجرای حقوقی دارد. در حالی که در فقه امامیه، امکان تعزیر زوج به خاطر نشوزش مطرح گردیده است. اعظم فقهاء پس از طرح مسئله نشوز زوج، و مطالبه تادیه حقوق از سوی زوجه، امکان هجر یا ضرب زوج توسط زوجه را مردود دانسته، و ضمن اشاره به لزوم مراجعت به حاکم می‌فرمایند: «اگر حاکم علم به نشوز زوج پیدا کرد، او را از ارتکاب حرام نهی کرده، و امر به واجب می‌نماید. اگر فایده بخشید که هیچ، اما اگر سودی نداشت براساس آنچه صلاح می‌داند، زوج را تعزیر می‌نماید».^۱ بنابراین، مشاهده می‌شود که با وجود شهرت و صراحة حکم فقهای امامیه در باب جرم‌انگاری نشوز زوج، قوانین ایران در این خصوص موضع سکوت اختیار نموده‌اند. از این روی بحث کلی در باب صحت یا عدم صحت جرم‌انگاری در نظام خانواده و از سویی تعارض اصل یکصد و شصت و هفت قانون اساسی با اصل قانونی بودن جرم و مجازات، لازم خواهد بود.

۱. «نعم ان عرف الحاكم ذلك باطلاع او اقرار او شهود مطلعين عليها نهاء عن فعل ما يحرم، و امره بفعل ما يجب، فان نفع و الا عزره بما يراه» النجفي، محمد حسن، جواهر الكلام، پیشین، ج ۳۱، ص ۲۰۷.

۲. ضرورت و اهمیت پژوهش

روابط جنسی یکی از پایه‌های اصلی و اساسی زندگی زناشویی محسوب شده، و در حقیقت روابط جنسی موثر، موجب پایداری بیشتر زندگی زناشویی می‌شود. زیرا روابط خاص زناشویی، ارتباطی مستقیم با رضایت عاطفی زوجین از یکدیگر داشته، و تأمین‌کننده امنیت روحی و روانی آنان می‌باشد. بنابراین، زوجین به طور عام نیازمند این تمتعات هستند. اما برخی ملاحظات ناصواب عرفی و اخلاقی که ناشی از کج‌اندیشی‌ها و عدم آگاهی جوامع و فرهنگ‌ها و انگیزه‌ها و شائبه‌های مادی و بسیاری عوامل دیگر است، موجب آن شده که بیان نیازهای جنسی و مطالبه ارضای آن از ناحیه زوجین (به ویژه زوجه) فاقد جایگاه عرفی بوده، و تحت الشاعع مسائل دیگر خانواده قرارگیرد. به گونه‌ای که بسیاری از زوجین ناراضی که ریشه اختلافات و مشکلاتشان به روابط زناشویی برمی‌گردد، به خاطر حیا و ترس از واکنش اجتماع، آن را به امور دیگری نسبت داده‌اند. از سوی دیگر محور بیان بسیاری از دعاوی مطروحه در دادگاه‌ها نیز مسأله عدم‌تمکین زوجه است. در حقیقت نزاع زوجین در مسأله روابط خاص زناشویی به امور دیگر سرایت می‌کند، و نزاع بر امور و مسائل دیگر نیز به این رابطه تسری می‌یابد. مطالعات و بررسی‌ها نشان می‌دهد که در صد بالایی از اختلافات زندگی زناشویی، ناشی از اختلال در کام‌جویی جنسی بوده و یا به علی‌ریشه در روابط جنسی دارد.^۱ این مسأله در اسلام و قوانین شریعت مورد توجه قرار گرفته، و دستورات و توصیه‌هایی عمیق و راهگشا در این باب وارد شده است. این در حالی است که قوانین موضوعه ایران در این خصوص غالباً سکوت نموده و یا در صورت اشاره مختصر، با مشکل ابهام و اجمال مواجهند. که این امر خود موجب تفاوت در رویه قضایی و تشتن آراء

۱. قائمی، علی، نظام حیات خانواده در اسلام، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، چاپ یازدهم، ۱۳۸۸ ش، ص ۲۰۷.

قضات می‌گردد. بنابراین، ضرورت دارد تا با بررسی همه جانبه سفارشات و الگوهای شریعت در باب تمتعات جنسی زوجین، و در نظر داشتن عرف موجود به مدون نمودن آنها و ارائه راهکار در باب مسائل زوجین پرداخته، و از بروز شکاف و اختلاف در نهاد خانواده جلوگیری به عمل آوریم.

گرچه اراضی جنسی یکی از اهداف مهم تشکیل خانواده است، اما باید جایگاه دقیق و ماهیت آن در عقد نکاح مشخص شود این امر هنگامی تقویت می‌شود که در عبارات و متون، بهخصوص در باب شرط خلاف مقتضای ذات عقد، جایگاه بعض و کام جویی جنسی مهم جلوه می‌کند.

افزون بر این نشوز و عدم تمکین بحثی عام داشته و نباید تنها در ناحیه زوجه مورد توجه فقهاء و حقوقدانان قرار بگیرد. با این وجود از تمکین مردان در فقه و حقوق سخن نرفته و نشوز مردان نیز با اشاره، مورد نظر فقهاء قرار گرفته است. با توجه به معنا و آثار حقوقی تمکین و نشوز، این بحث کاملاً دو جانبه بوده و ضرورت دارد که در هر دو ناحیه مورد بررسی قرار بگیرد.

دیگر آنکه تمکین و نشوز متفرع بر مسأله سرپرستی خانواده و حقوق و وظایف متقابل زوجین، مطرح گردیده است. از این روی دایره تمکین و نشوز به آن دو موضوع بستگی دارد. به هر میزان که بر عهده زوجین تکلیف گذاشته شود، تمکین و نشوز سعه وضيق پیدا خواهد کرد. هم‌چنین رابطه‌ای وثیق با دایره سرپرستی خانواده و اختیارات سرپرست دارد. بر این اساس تعیین دقیق حد مرز آن دو موضوع در روشن شدن این مبحث مؤثر است. از سویی نظام حقوقی ایران ریشه‌هایی عمیق در فقه امامیه داشته و متأثر از آن است. بنابراین، ضروری است که نتایج بررسی‌ها و کنکاش‌های مربوطه در فقه را به صورت قوانین اجرایی لازم الرعایه در آورد، تا علاوه بر حل اجمال و نارسایی‌های قانونی، ضمانت اجرا نیز داشته باشد.

بنابراین، از آنجا که حقوق و تکالیف جنسی زوجین ریشه دینی داشته، و در قوانین موضوعه نیز تا حدودی انعکاس یافته، و نیز دارای حیطه عرفی

وسيعی است، اين موضوع ظرفيت و صلاحيت آن را دارد که به تفصيل به آن پرداخته شود.

۳. اهداف پژوهش

- * تعیین جایگاه تمتعات جنسی زوجین در ماهیت نکاح؛
- * مشخص نمودن حقوق و تکالیف متقابل جنسی زوجین و ضمانت اجراهای آن در نظام حقوقی ايران؛
- * تعیین جایگاه و حدود تمایلات جنسی زوجین با تمسک به ادله استنباط احکام.

۴. سؤالات اصلی پژوهش

- ۱- جایگاه روابط جنسی زوجین در تعیین ماهیت نکاح چیست؟
- ۲- حدود و میزان حقوق جنسی زوجین در نظام حقوقی اسلام چگونه ترسیم می شود؟
- ۳- میزان انطباق مصادیق حقوق جنسی زوجین در قوانین و مقررات با فقه اسلامی چگونه است؟
- ۴- ضمانت اجرای عدم رعایت حقوق جنسی در فقه و نظام قانونی ايران چگونه است؟

۵. فرضيات پژوهش

- ۱- اگرچه نکاح شامل برخی قواعد مربوط به معاملات معوض می گردد، اما نمی توان با اطمینان بضع را در برابر مهریه قرارداده و نکاح را عقد معوض دانست. بنابراین، مبطل بودن شرط عدم رابطه جنسی، از باب اهمیت خطریر این امر در نکاح می باشد، نه اینکه تمام ذات نکاح بسته به آن باشد.
- ۲- تبع در ادله مربوط به حق استمتاع جنسی زوجین، نشان می دهد که ادله تنها در مقام بيان اصل تکلیف جنسی بوده، و بيانگر حق مطلق نیستند.